

نگاهی دیگر

بازبینی متون منشور ادب فارسی

از منظر حقوق کیفری

دکتر مریم محمودی

انتشارات جنگل

سرشناسه : محمودی، مریم، ۱۳۵۲-
 عنوان و نام پدیدآور : نگاهی دیگر: (بازبینی متون منشور ادب فارسی از منظر حقوق کیفری)/ مریم محمودی.
 مشخصات نشر : تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری : ۱۵۲ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۲۲۹-۷
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 عنوان دیگر : بازبینی متون منشور ادب فارسی از منظر حقوق کیفری.
 موضوع : حقوق در ادبیات
 موضوع : نشر فارسی -- قرن ۵ ق. -- تاریخ و نقد
 موضوع : نشر فارسی -- قرن ۶ ق. -- تاریخ و نقد
 موضوع : حقوق جزا -- ایران
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۳ م ۳۷۶/ح PIR
 رده‌بندی دیویی : ۰۹۳۵۵-۸ فا
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۹۹۰۲۳



عنوان کتاب: نگاهی دیگر (بازبینی متون منشور ادب فارسی از منظر حقوق کیفری).
 تألیف: دکتر مریم محمودی
 ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه
 ناظر فنی: امین لشکری
 نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۳
 قطع و تیراژ: رقعی، ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۲۲۹-۷

[http:// www.junglepub.org](http://www.junglepub.org)

[email:// Info@junglepub.org](mailto:Info@junglepub.org)

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۱۱۵-۹-۶۶۴۸۲۸۳۰

۰۳۱-۳۳۲۰۵۰۶۷-۳۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای مؤلف محفوظ است»

فهرست مطالب

مقدمه

فصل اول: آشنایی با حقوق جزا و مختصات آن

- ۳..... تعریف حقوق و مبنای آن
- ۴..... شعب علم حقوق
- ۴..... - حقوق داخلی
- ۴..... - حقوق خارجی
- ۴..... - حقوق خصوصی
- ۴..... - حقوق عمومی
- ۵..... - حقوق اساسی
- ۵..... - حقوق اداری
- ۵..... - حقوق جزا
- ۵..... انواع حقوق جزا
- ۶..... - حقوق جزای عمومی
- ۷..... - حقوق جزای اختصاصی
- ۸..... - تحولات تاریخی حقوق جزا
- ۸..... - دوره انتقام خصوصی
- ۹..... - جمعی بودن مسئولیت
- ۹..... - بی عدالتی در مجازات
- ۹..... - دوره تعدیل نسبی انتقام خصوصی
- ۱۰..... - تبدیل غرامت
- ۱۰..... - قانون قصاص
- ۱۰..... - تسلیم مجرم به دشمن
- ۱۰..... - محدودیت انتقام در زمان و مکان

- ۱۰ - دوره تعدیل کلی انتقام
- ۱۱ - تاریخچه حقوق جزا در ایران
- ۱۱ - دوره باستان تا طلوع اسلام
- ۱۳ - اسلام تا مشروطیت
- ۱۳ - اصل تساوی مجازات‌ها
- ۱۴ - اصل قانونی بودن مجازات‌ها
- ۱۴ - اصل شخصی بودن مجازات
- ۱۴ - جرایم و مجازات‌های اسلامی
- ۱۶ - مشروطیت تا عصر حاضر

فصل دوم: بازبینی متون منشور ادب فارسی از منظر حقوق جزایی

- ۲۱ - آشنایی با جرم و مفاهیم آن
- ۲۱ - مفهوم اخلاقی جرم
- ۲۲ - مفهوم اجتماعی جرم
- ۲۳ - مفهوم جرم‌شناسی جرم
- ۲۳ - مفهوم شرعی جرم
- ۲۵ - مفهوم حقوقی و قانونی جرم
- ۲۵ - جرم در متون ادبی
- ۲۹ - خیانت به مملکت و مردم و پادشاه
- ۲۹ - تغییر مذهب و آیین
- ۳۰ - فساد و تعدی
- ۳۰ - دزدی و راهزنی
- ۳۰ - زنا
- ۳۰ - شراب نوشی
- ۳۰ - نزاع (خصومت کردن)
- ۳۱ - احتکار
- ۳۱ - ارتداد

۳۱	- خروج کردن
۳۲	- آوردن دین باطل
۳۲	- قتل
۳۲	- محاربه
۳۲	- نبش قبر
۳۲	- ادعای خدایی کردن
۳۳	- تحصیل مال از راه نامشروع
۳۳	- تصرف عدوانی
۳۳	- عناصر تشکیل دهنده جرم
۳۴	- عنصر قانونی جرم
۳۸	- عنصر روانی جرم
۴۰	- عنصر مادی جرم
۴۱	- مجازات
۴۴	- اصول حاکم بر مجازات‌ها
۴۴	- قانونی بودن مجازات‌ها
۴۷	- تساوی مجازات‌ها
۴۸	- شخصی بودن مجازات‌ها
۴۹	- اهداف مجازات
۵۴	- انواع مجازات
۵۷	- قصاص
۶۳	- دیه
۶۸	- حد
۷۶	- گردن زدن
۷۸	- زندان
۸۰	- به دار آویختن
۸۳	- تازیانه زدن
۸۵	- چوب زدن

- ۸۶ - پوست کندن
- ۸۷ - در زیر پای فیل افکندن
- ۸۸ - مصادرة اموال
- ۹۲ - مثله کردن
- ۹۳ - در آب افکندن
- ۹۳ - در جوال کردن و خرد کردن
- ۹۴ - آتش زدن مجرم
- ۹۴ - خراب کردن و آتش زدن خانه
- ۹۴ - مباح دادن زنان
- ۹۵ - انفصال از خدمت
- ۹۵ - به کارهای دهن شان گماشتن
- ۹۵ - عفو
- ۹۹ - آئین دادرسی کیفری
- ۱۰۱ - ادله اثبات دعوی
- ۱۰۲ - شهادت
- ۱۰۷ - معاینه محل
- ۱۰۸ - اقرار
- ۱۱۱ - مقامات قضایی
- ۱۱۱ - قاضی
- ۱۱۴ - پادشاه
- ۱۱۷ - مظالم کردن
- ۱۲۳ - والی
- ۱۲۴ - شحه
- ۱۲۵ - محتسب
- ۱۲۸ - امیر حرس
- ۱۳۱ - منابع و مآخذ

مقدمه

ادبیات مجموعه‌ای از آثار و نوشته‌های هنری، زیبا، سنجیده و ارزشمند در زمینه‌های گوناگون و موضوعات متنوع است که در طول زمان در خور حفظ و نگهداری شناخته شده است. این مجموعه آیینۀ تمام نمای رویدادها، آیین‌ها، رفتارها، تلاش‌ها و اندیشه‌های هر جامعه است که تحت تأثیر شرایط اجتماعی حاکم و متأثر از محیط آن است. علاوه بر جنبۀ زیباشناسانۀ ادبیات، هر اثر ادبی جلوه‌گاه فضای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی محیطی است که در آن خلق شده است. شاعران و نویسندگان گاهی عمیق‌تر و موشکافانه‌تر از جامعه‌شناسان، فقها، سیاستمداران و اقتصاددانان جامعه عصر خویش را توصیف و مسائل و معضلات آن را تحلیل کرده‌اند. بی‌شک بیان هنرمندانه به این آثار روح و جلوه‌ای خاص بخشیده به گونه‌ای که مردم این آثار را می‌خوانند و لذت می‌برند و در عین حال به آگاهی می‌رسند.

بدین ترتیب باید گفت ادبیات آیینۀ تمام نمای فرهنگ و تمدن یک ملت است؛ طرز تفکر، عقاید و آراء مذهبی و اخلاقی، شیوۀ معیشت و نموده‌های فرهنگی و حتی مسائل سیاسی، حقوقی و اقتصادی در آن انعکاس یافته است. به همین دلیل منبعی غنی و بارز در شناسایی اقوام و سیر فکر و ادراک آنها تلقی می‌شود. از دیگر سو یکی از موضوعات اساسی در بررسی اوضاع و احوال اقوام و ملل برخورد آنان با علوم و فنون مختلف است که روند تکاملی دانش و فن را در بین آنان می‌نمایاند و متون ادبی در موارد بسیاری از این اطلاعات سرشار است.

حقوق کیفری یا حقوق جزا شاخه‌ای از حقوق عمومی داخلی است که با

جرم که عبارت است از فعل یا ترک فعلی که موجب اختلال عمومی می‌شود سروکار دارد و با تعیین واکنش‌های قانونی برای این اعمال سعی می‌کند از وقوع جرم جلوگیری نماید و در صورت تحقق جرم میزان مسئولیت مرتکب و نحوه تعقیب و مجازات او را مشخص و وسایل اصلاح و تربیت مجرمین را فراهم می‌کند. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که قوانین و مقررات جزایی از قدیم‌ترین قوانینی است که با آغاز خلقت انسان و زندگی اجتماعی او شکل گرفته و همگام با بشر و سایر پیشرفت‌های علمی و فرهنگی و اقتصادی او به رشد و تکامل رسیده است. بی‌تردید آروزی دستیابی به عدالت از مهمترین مؤلفه‌هایی است که از قدیم‌ترین ایام تاکنون آدمی را به پذیرش این قوانین و مقررات و محدودیت‌های ناشی از آن واداشته است. قوانین و مقررات کیفری یا نظام جزایی هر کشور که از مهمترین نهادهای حقوقی است از گذشته تا زمان حاضر دو هدف عمده را تعقیب کرده است یکی برقراری و حفظ نظم موجود و دیگری منع انتقام خصوصی زیان‌دیدگان از جرم.

به هر حال مهمترین هدف هر نظام جزایی حفظ نظم عمومی است. از آنجا که نظم لازمه زندگی اجتماعی بشر است، جوامع برای تنظیم روابط منظم اعضای خود نیازمند قوانین و مقررات به خصوص قوانین جزایی هستند که به وسیله آن از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی حمایت کنند و نیز ارزش‌های حاکم بر جامعه را برجسته سازند.

قوانین و احکام حقوق کیفری الزام‌آور و آمره است، یعنی نمی‌توان برخلاف این قواعد و احکام توافق کرد و از آنجا که جرم، تعدی به ارزش‌ها و مصالح اساسی افراد است مجرم به هر حال تحت تعقیب و مجازات قرار می‌گیرد. به همین دلیل هر قاعده جزایی با ضمانت اجرا همراه است. این

ضمانت معمولاً به صورت حبس، مصادره اموال، سلب حق و... اعمال می‌شود. همچنین قواعد حقوق کیفری کلی و عام است یعنی نسبت به کلیه افرادی که مرتکب جرایم پیش‌بینی شده در قانون شوند قابل اجراست، اما در عین حال این قواعد و احکام محدود به مرزهای کشور است. به عبارت دیگر حقوق جزا حقوق سرزمینی است. از آنجا که این قوانین نمودار سلطه و قدرت دولتمردان در هر کشور است هیچ دولتی حاضر نیست قوانین جزایی کشور دیگر را در قلمرو خود پیاده کند. پس قوانین جزایی هیچ کشوری در مملکت یا کشور دیگر قابل اجرا نیست.

برای آنکه در هر جامعه نظام جزایی بتواند به اهداف خود دست یابد باید قوانین و مقررات جزایی آن با میانی فکر و اخلاقیات و طرز تلقی و انتظارات جامعه هماهنگ باشد. شناخت افکار و عقاید حاکم بر جامعه به شناخت بهتر و بیشتر این قوانین و مقررات در روند تکاملی آنها کمک می‌کند و از سوی دیگر آگاهی از این قوانین و مقررات بستر فکری و فرهنگی را که در آن شکل گرفته می‌نمایند. متون ادبی هر قوم از منابع مهم و اصلی است که از یک سو قوانین و قواعد حقوقی را در ادوار مختلف در خود منعکس کرده و میزان پایبندی به آن را نشان می‌دهد و روند تکاملی و عوامل فکری و فرهنگی مؤثر بر آن را به گونه‌های مختلف و در قالب‌های متفاوت به منصه ظهور می‌کشاند؛ از دیگر سو از آنجا که ادبیات تنها خلق زیبایی و شعر و رمان و تئاتر نیست بلکه سرشار از زندگی است و نگرش مختص به خود نسبت به زندگی اجتماعی دارد، به عنوان وسیله‌ای مؤثر در جهت مبارزه با کجی‌ها و کجروی‌ها و ناراستی‌ها مطرح می‌شود که می‌تواند در مبارزه با جرایم و پیشگیری از آنها مفید و مؤثر باشد و نظم و عدالت اجتماعی را ایجاد نماید.

به هر حال هم ادبیات در چشم‌انداز وسیع خود و هم حقوق در همه ابعاد خود، به ویژه بعد جزایی به دنبال ساختن جهانی نو با خصائلی مطلوب و آرمانی است که همه چیز از جمله انسان در آن به سوی تکامل پیش رود و نواندیشی و نوسازی وجهه همت او باشد.

در این پژوهش نگارنده کوشیده است که در نمونه‌ای از آثار ادبی (متون منشور قرن پنجم و ششم هجری قمری) پیوند استوار و دیرینه ادبیات و حقوق را بنمایاند. بی‌شک آنچه گفته شده همه آنچه که باید گفته شود نیست و در این راه به قدر بضاعت علمی خود گام برداشته است.

هدف اصلی از این نگارش شناختن پیوند تاریخی حقوق و ادبیات است زیرا «عدالت، پرهیز از افراط‌کاری، خردورزی، تقدس، آزادی، برابری، برادری، احترام به انسان، پایه‌های اساسی تمدن، حقوق و جامعه‌اند. این مقولات نه به حقوق تعلق دارند و نه به ادبیات، اما هم از آن این‌اند و هم از آن دیگری؛ یگانگی عمیق تفکر بشری بر هر دو تکیه دارد. حقوق با خشکی و موشکافی تفکر را در عمل اعمال می‌کند، ادبیات با ظرافت، جذابیت، به نحوی عمیق اما نه دقیق این تفکر را غنا می‌بخشد و گسترش می‌دهد. ما به هر دو نیازمندیم و نمی‌توانیم از این یا از آن صرف‌نظر کنیم» (مالوری، ۱۳۸۱: ۱۳).

پیشینه تحقیق در این موضوع بسیار محدود است. فیلیپ مالوری در کتاب ادبیات و حقوق ترجمه مرتضی کلانتری به بررسی مسائل حقوقی در آثار داستان‌نویسان نامدار جهان پرداخته است. کتاب جرم‌شناسی در ادبیات تألیف عباس ایمانی اندیشه‌های جرم‌شناختی را در آثار سعدی و مولوی بررسی کرده است. محمدحسن حجاریان نیز در کتاب تجلی مفاهیم و نظام حقوقی در شعر فارسی به صورت فهرست‌وار به این مفاهیم و نظام‌ها اشاراتی

داشته است. به همین دلیل نگارنده با موضوعی نسبتاً جدید در دو عرصه حقوق و ادبیات قدم گذاشته است و امید آن دارد که توجه مخاطبان را در هر دو حیطه جلب نماید.

این کتاب در دو فصل کلی تنظیم شده است؛ فصل اول بیشتر جنبه ایضاحی و تعریفی و تاریخی دارد که در آن به اجمال برخی از مفاهیم و اصطلاحات حقوقی و به ویژه حقوق جزا شرح و تبیین شده و حیطه و محدوده کار مشخص گردیده است.

در فصل دوم کتاب آثار مشهور ادب فارسی متعلق به قرن‌های پنجم و ششم هجری قمری از منظر حقوق جزا مورد بازبینی قرار گرفته است. در این فصل مفاهیم متعدد جرم و معنا و مفهوم آن در متون ادبی تبیین گردیده و مصادیق آن ارائه شده است. سپس به مسأله مجازات و مباحث مربوط به آن از جمله اصول حاکم بر مجازات‌ها و اهداف و انواع مجازات در متون ادبی پرداخته شده است. بخش آخر این فصل به مبحث آیین دادرسی کیفری، ادله اثبات دعوی و معرفی مقامات قضایی در متون ادبی اختصاص یافته است.

در پایان سخن بر خود فرض می‌دانم که از همسر عزیز و بردبارم به جهت همراهی و همدلی‌هایش در تمامی مراحل زندگی بویژه تشویق بنده در نگارش و تدوین این کتاب سپاسگزاری کنم. چشم به راه نکته‌سنجی‌ها و خرده‌گیری‌های ظریفان نکته بین و آگاهان روشن ضمیر خواهم ماند.